

متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیز: در مورد بحث امروز یعنی یک شنبه در جلسه «در راستای بنیان‌های حکمت حضور انقلاب اسلامی در «جهانی بین دو جهان» اینکه فرمودید ما در کنار کانت و هگل و هایدگر به میراث فلسفی خودمان توجه کنیم. من به این فکر می‌کردم که چگونه می‌توانیم جهان و تمدن را بدون فیزیک بسازیم، زیرا جهان امروز پیش از آنکه فلسفه کانت در موردش سخن گفته باشد فیزیک نیوتن قبل از آن شکل گرفته که کانت وجود را فیزیک دیده و متوجه وجهی جدید از وجود شده است. اگر تقدیر تاریخی ظهور وجود به صورت تکنیک است منهای بلایی که با گشتل سر جهان آمد خبر از آن می‌دهد برای تمدن نیازمند فیزیک هستیم و قبل از اینکه فیلسوفان راه ساختن تمدن را بدهند فیزیک باید باشد، و به نظرم کانت علت موفقیتش در ساختن تمدن جهانی این بود که پیش از خودش نیوتن فیزیکی پایه گذاری کرد که جهان را به لرزه انداخت، هرچند که معتقدم فیزیک کوانتوم ثابت کرد نگاه فیزیکی نیوتن تنها نگاه فیزیکی به عالم نیست و فیزیک فراتر از چیزی است که نیوتن دیده بود و یک بُعد فیزیک، نیوتنی است، پس خدا مقدمات ظهور تمدنی جهانی را به تعبیری که از هایدگر می‌فهمم اینگونه رقم زده که به صورت تکنیک متجلی گردد و تکنیک یعنی پشتوانه داشتن فیزیکی محکم. بنده همیشه فکر می‌کنم شیخ بهایی عزیز که اینقدر روابط مادی و فیزیکی زیبایی می‌دانسته و نمونه اش به قول شما این اصفهان زیباست چرا مثل نیوتن فیزیک نوشت و اگر نوشته بود شاید ما امروز تکنیک دیگری به ظهور آورده بودیم، و شاگردش ملاصدرا را عزیز که همه ما در فهم هستی مدیون ایشان هستیم می‌توانست مانند کانت تمدنی بر مبنای فیزیک و نحوه ساختن آن به ما بگوید. اشکال بنده این هست ملاصدرا برای ساختن تمدن جهانی بدون فیزیک متناسب با فلسفه خودش آنچنان که کانت داشت فقط تمدنی که بیان می‌کند در حد نظری باقی می‌ماند و نمی‌تواند بروز و ظهور پیدا کند. ما امروز با ملاصدرا از حیث نظری و تفکر در درک هستی از مادی و مجرد و برزخ و قیامت بسیار جلو هستیم و غرب در فلسفه ذره ای درک در این مسائل ندارد، اما در ساختن تمدن، بسیار عقبیم و دلیلش این هست که فیزیکی که امثال شیخ بهایی باید بیان می‌کردند ارائه نشد و جهان که دیر یا زود تکنیکال می‌شد با فیزیک نیوتن امروز به این وضع افتاد. ما برای ارائه تمدنی که صدرا قرار است به ما ارائه کند اول از همه نیازمند فیزیک هستیم اما نه فیزیک نیوتنی که باز در عالم فلسفه کانت باقی می‌مانیم. مشکل دوم ما چشم سوبژکتیویته ماست که جهان را همواره سوبژه می‌بینیم و وجود را چیزی جز سوبژه درک نمی‌کنیم. سوبژه آیا راه رسیدن به الیاس است یعنی بدون سوبژه امکان درک وجود تکنیکی که قرار است ظهور کند فراهم می‌گردد یا نه؟ اگر قرار نیست درک شود چگونه تمدن بدون

سوپرژ ساخت می شود؟ کانت به ما یاد داد که ابژه و ماهیت بیرونی قابل شناخت نیست مگر اینکه در ذهن من به سوپرژ تبدیل گردد و بعد به ابژه بیرونی درآید و این ابژه دوم قابل شناخت است پس طبیعی است بشر چیزی از عالم هستی جز مهندسی شناختی ندارد، چون ابژه قابل شناختش همان سوپرژ ای است که ذهنش ساخته و ابژه اولیه صرفاً ماده ای بود که حقیقتی نداشت جز مصالح سوپرژ ذهنی من تا به صورت ابژه ثانویه درآید. جهان ما پر از سوپرژ است و چشم من چیزی جز سوپرژ شناسایی نمی کند، آیا لازمه التیا و آشکار شدگی وجود سوپرژ است چون تکنیک راهی جز این ندارد، اینکه نقص فکر کانت بی اهمیتی به ماهیت ابژه اولیه است باید هرطور شده برطرف گردد ولی ظاهراً اینکه جهان و تمدن که لازمه آن تکنیک است بدون کانت ساخته نمی شود، مشکل من با ملاصدرا این است چگونه می خواهد تمدنی جهانی بسازد بدون اینکه اولاً فیزیک نداشته باشد و ثانیاً سوپرژکتیو مثل کانت نگاه نکند؟ مگر بگوییم تمدن آینده چیزی است فرای چیزی که ما از تمدن جهانی می فهمیم که فعلاً چون مصداقی از آن سراغ نداریم مجبوریم در مورد آن سکوت کنیم و نمی توانیم واقعاً بگوییم جهان و تمدن آینده آن دقیقاً چیست و چگونه ساخته می شود. بنده فکر می کنم خداوند آخرین ظهور خود را در آخرالزمان به صورت تکنیک رقم زد هرچند چون به دست بشری افتاد که اهمیت تکنیک را فهمیدند ولی منکر وجود مطلق بودند، لذا گرفتار گشتل شدند و هرچند به تعبیر هایدگر این گشتل نیز تقدیر تاریخی بود و گریزی از آن نبوده ولی گشتل یعنی می توانست این ظهور وجود جور دیگری هم باشد و الزامی نیست که تا ابد تکنیک اینگونه واقع گردد، لذا آخرین ظهور وجود تبدیل به تمدن جهانی گردید تمدنی که قرار است حجت آخر خدا جهانی رقم زند و ظاهراً این قیام امام زمان بدون ظهور وجود به صورت تکنیک قابل رقم خوردن نبوده چون همه بشر باید در وسعت زمین همدیگر را می یافتند و این جز به تمدن جهانی امکان نداشته و این تمدن هم در جهانی شدن بدون تکنیک ممکن نبوده، و تکنیک هم بدون فیزیک ممکن نبوده، پس فیزیک نقش اساسی در جهانی شدن تمدن دارد. ما بدون فیزیک چگونه با صدرا عزیزتر از جان روحی فداه می توانیم تمدن بسازیم؟ سعی امروز بنده در بیان این مطلب بود کمکم کنید لطفاً، چون مدتهاست هرچه سعی می کنم تمدن صدرا را در بیان صدرا بیان پیدا کنم، ناامیدتر از قبل می شوم، گویی شما در این جلسه و جلسه قبلی که بحث سوپرژ را مطرح کردید راهی می خواستید بگویید، ولی من می خواهم ببینم شما قبول دارید که جهان تمدنش بدون فیزیک ساخته نخواهد شد؟ پس قبول کنیم از دل این صدرا آن تمدن که از روی کاغذ بیرون بیاید به راحتی نه به صورت کلی، بیرون نمی آید ولی طبیعتاً ما همچنان در گشتلی که کانت و هگل و نیوتن برای ما ساختند باید به سختی ادامه دهیم تا دست تقدیر منجی ای برای ما ارسال کند و ما را از زندان گشتل رها کند. در مورد موضوعی که فرمودید که جریان قلدری اجازه نداد صدرا نمایش پیدا کند و یا سرخپوستان آمریکا را قلع و قمع کرد درسته ولی با زور نمی توان جلوی تفکر را گرفت و ملاصدرا هرچند دویست سال بایکوت بود ولی بالاخره آقا محمد بیدآبادی و ملاعلی نوری از این بایکوت خارجش کردند، تفکر و نور را نمی توان برای همیشه مخفی کرد بالاخره طلوع می کند، مشکل

اینجاست که ظاهراً ملاصدرای ما مانند کانت فیزیک ندارد که تمدن خود را بتواند بسازد، و تمدن ملاصدرای ما بیشتر ملکوتی است هرچند اصرار بر عمران دنیا دارد ولی به ما مثل کانت نمی گوید چگونه این جهان را بسازیم، حالا یا مسئله برایش حل بوده یا واقعاً خودش هم نمی دانسته و کلی می دانسته بدون عمران دنیا آخرتی هم نیست. جهان صدرا در عین زیبایی و دوست داشتنی بودن دور است و در دسترس نیست کجاست این جهان که مرا از جهانی که کانت بر آن غلبه کرده نجات دهد؟ من این صحبتها را با شما در میان گذاشتم چون می دانم می فهمید من چه می خواهم بگویم و من هیچ علاقه شخصی حتی به اندازه یک دانه جو در قلبم به کانت ندارم ولی تمام قلبم پر از ملاصدراست چنان که دوست دارم در او ذوب گردم ولی این سوال مدتهاست من را مشغول کرده و در بحث امروز و هفته گذشته شما برایمان تشدید شد و چون بیانش در جمع سخت و باعث سوء تفاهم هست نمی خواستم بیان کنم و وقت جلسه را بگیرم ولی شما بگویید اگر فیزیک نه پس چگونه تمدن را بسازیم در عین اینکه تماماً به فیزیک نیوتن انتقاد شدید دارم و معتقدم کوانتوم راهی باز کرد که به ما فهماند جهان نیوتنی نیست. عذرخواهم از اطاله کلام، حلال بفرمایید...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده این گفتگو را نه تنها به فال نیک می گیرم، حتی معتقدم توجه به امری است که آینده را برای ما معنا می کند. از این جهت اجازه بدهید بحث در حدّ یک گفتگو بدون آن که گمان شود حرف، تمام شد؛ بماند. زیرا در این صورت نه جنابعالی دغدغه آن را دارید که همه سخن خود را فرموده‌اید و نه بنده نگران آن هستم که حقّ مطلب را نسبت به نکاتی که شما فرموده‌اید، ادا کرده باشم.

در مورد این که علم فیزیک مبنای تمدن جدید است، هیچ بحثی نیست ولی حتماً در جریان سخنان هایدگر در مقاله «پرسش از تکنولوژی» هستید که چه اندازه نسبت به علم فیزیک به عنوان یکی از علوم دقیقه، گله مند است مبنی بر آن که نگاه فیزیکی به عالم، جهان را جهان ریاضی می داند و بنا دارد آنچه را که می خواهد از جهان بیرون بکشد. که بنده مثال چاه عمیق را در مقایسه با قنات زدم. زیرا ما در قنات، نسبت مان را با طبیعت حفظ می کنیم و در ساختن جهانی که امکان زندگی در آن هست، تلاش می کنیم و عملاً در این جا با روحیه بشر جدید، تمدن دیگری به ظهور خواهد آمد. تمدنی که شیخ بهائی ها بنای ساختن آن را داشتند. مشکل، همان طور که عرض شد تهاجمی بود که از طریق های مختلف به ما شد و انقلاب اسلامی با به خود آمدنی که بیرون از جهان بشر جدید نیست، بنا دارد تمدنی را مدّ نظر آورد که از ظرائف روحی بشر جدید و عالم وجود در آن غفلت نشود. با توجه به بشری که در تمامیت ابعاد خود حتی سیر «من الحق فی الحق الی الخلق» را با انس با طبیعت به عنوان آینه خدا در خود تجربه می کند. این جا است که تصور بنده آن می باشد که جناب صدرا در همان

فضای تاریخی که جناب شیخ بهائی بنا دارد جهان خود را بسازد، حاضر می‌شود و به صنعت و هنر نظر می‌کند تا جهانی بسازد که در عین آن که یک تمدن به حساب می‌آید، اولاً: از هستی انسان در نسبت با هستی مطلق غفلت نشود، که همه مشکل جهان مدرن است و پدیدآمدن نیهیلیسم. و ثانیاً: انسان را در حضور در جهان، گرفتار توهمات رومانتیک نکند. و گمان بنده آن است که هایدگر بزرگ، به عنوان اندیشمند منتظر و آماده‌گر، به دنبال چنین جهانی و چنین انسانی و چنین حضوری بود.

البته نکته بسیار خوب شما در رابطه با ابژه‌کردن آنچه در عین حال سوژه است، جای گفتگو دارد. گویا بتوانیم در عین ابژه‌کردن جهان در راستای سوژه خودمان، نسبتی با هستی برقرار کنیم که در آن صورت سوژه ما صورتی از حقیقت باشد در افقی که هستی گشوده نسبت به هستی انسان به ظهور می‌آورد. البته بحث، همچنان ادامه دارد و باید امیدوارِ حضورِ والاتری در نسبت با چنین گفتگو‌هایی باشیم. موفق باشید